

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۲ سپتمبر ۲۰۲۲

## "سیا" با "بدیل سازی" در جهت تصحیح یک اشتباه!

(۲)

چهارشنبه- ۳۰ سنبله ۱۴۰۱ - کابل:

یک تن از دوستان خبیر و دانشمند که از خوانندگان دایمی پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" من جمله یادداشت های این قلم است، از طریق ایمیل با طرح یک پرسش قسمت اول این نگاشته را تلویحاً انتقاد نموده، پرسیده است: وقتی امپریالیسم امریکا را انتقاد می نمایند که بدون در نظر داشت بدیل، تمام قدرت را به طالب سپرده است، پس "داعش" و "تشدات مدنی" از قبیل ده ها اتحادیه و انجمن را چگونه ارزیابی می نمائید؟

در پاسخ به این دوست خردمند ما باید بیفزاییم:

۱- نخست از توجه شان به یادداشت های جهانی سپاس. در ثانی صمیمانه باید بنویسم که نه تنها من بلکه تمام نویسندگان و قلم به دستان زمانی می توانند کاستی ها و کمبودها و خلأ های نگاشته های شان را مرفوع سازند که یک رابطه متقابل بین نویسنده و خواننده وجود داشته باشد، فقط در این صورت است که به جای "خرد فردی" -نویسنده-، "خرد جمعی" -نویسنده جمع خوانندگان-، جایگزین شده یک نگاشته در مسیر تکامل و ارتقاء هم از نظر شکل و هم از نظر محتوا قرار می گیرد.

با این تذکر صمیمانه ابراز می دارم، همان طوری که بارها نوشته ام همیشه منتظر نظرات و انتقادات اصلاحی و تکمیلی خوانندگان عزیز می باشم، امیدوارم خوانندگان بیشتری در چنین بحث هائی ورود نموده با توضیحات و پرسش های شان به غنای بیشتر مطلب بیفزایند.

۲- در این که امپریالیسم امریکا "داعش" را به افغانستان آورد، هیچ شکی در آن وجود ندارد و من هم با شما در این مورد موافقم، اما این که "داعش" را به مثابه بدیل "طالب" به افغانستان آورده باشد زیاد قابل استناد نیست، اگر آنها "داعش" را به مثابه بدیل طالب به افغانستان آورده باشند یکی از آن حماقت هائیکه فقط یک امریکائی مغرور و متفرعن می تواند انجام دهد، نه یک انسانی که با الفبای سیاست و تاریخ افغانستان آشنائی داشته باشد. زیرا:

با در نظر داشت این که "احمدشاه بدالی" با ایجاد "افغانستان" به مثابه کشور مستقل با هویت تاریخی و حدود و ثغور جغرافیائی معین، برهه جدیدی را در تاریخ چند هزار ساله این خطه آغاز کرد، در نفس خود بهره برداری و حصول نتیجه مبارزات یک هزار ساله باشندگان این خطه علیه تجاوزات و اشغالگری ها از اعراب گرفته تا صفویان و

تیموریان هند بود، واقعیتی است انکار ناپذیر که نه تنها با تاریخ کشور ما پیوند ناگسستنی دارد بلکه جزء وجدان فرد فرد کشور ما نیز شده است.

حال با این مقدمه، هرگاه یک فرض هرچند محال را در نظر گیریم، یعنی امپریالیسم امریکا به همان سان که طالب را بر ما حاکم ساخت، بیاید "داعش" را بر افغانستان حاکم بسازد. بادر نظر داشت این که وقتی طالب حاکم شد، دولتش را "امارت اسلامی" و اسم کشور را "امارت اسلامی افغانستان" نامید، "داعش" در آن صورت چه نامی بر این کشور می خواهد بگذارد؟ "دولت اسلامی - خراسان" به مثابه امارت نشینی از "دولت اسلامی عراق و شام"؟...

این را می دانید که چنین تسمیه ای عملاً به معنای خط بطلان کشیدن بر تمام جنبش های آزادیخواهانه این خطه از زمان "ابومسلم خراسانی" و جنبش "سیاه جامگان" حد اقل تا زمان ایجاد افغانستان جدید و "احمدشاه ابدالی" است؟ این را هم می دانید که چنین تسمیه ای گذشته از این که زیر پای نمودن وجدان تاریخی باشندگان این سرزمین است، به معنای پایان حاکمیت قوم پشتون بر افغانستان که از سال ۱۷۴۷ بدین سو شکل گرفته نیز می باشد؟

دوست عزیز، وقتی ما از بدیل صحبت می نمائیم، آن بدیل حد اقل می باید در خطوط کلی خود بتواند با اصل ظرفیت مقایسه و مقابله را داشته باشد، ورنه نوازدی را مانند است که مرده به دنیا آمده و جایش فقط "لحد" است.

بر همین مبنا من فکر نمی کنم، امپریالیسم امریکا "داعش" را به مثابه بدیل طالب به وجود آورده باشد، بلکه منظور از ایجاد "داعش" سپردن ابزاریست در اختیاری طالب، که کارهای کثیف طالب را انجام دهد. یعنی همان طور که تا حال دیده شده، همان کارهایی را انجام دهد که طالب مستقیماً نمی خواهد انجام دهد مانند هزاره کشی، شیعه کشی، کشتار حریفان مذهبی طالب از صوفیان گرفته تا سلفیان، راکت پراکنی به کشور های آسیای میانه تا آنها را به "مرگ بگیرد تا به تب راضی شوند" و ...

۳- در این که احزاب، سازمانها، اتحادیه ها می توانند به مثابه بدیل حاکمیت ها به شمار روند مسأله ایست غیر قابل انکار، اما این که امپریالیسم بخواد چنان نهاد هائی را که اصولاً و عمدتاً بر مبنای روابط عمودی جامعه می باید شکل بگیرند و عمدتاً در آن اقشار و طبقات پائین جامعه جذب و سازماندهی می شوند، به وجود بیاورد امریست ناممکن. نا ممکن بدان علت که ستراتیژی اشغالگران امپریالیستی تکیه به خلفا و طبقات پائین جامعه نیست زیرا با آنها هیچ وجه مشترکی ندارند، بلکه ستراتیژی امپریالیست ها پرورش، حمایت و تکیه بر قشری از وابستگان به امپریالیسم که از لحاظ اقتصادی کمپرادوران را احتوا می نمایند و از لحاظ سیاسی عمدتاً جواسیس تکنوکرات اند، می باشد.

هرگاه به ۲۰ سال گذشته کشور ما نیک نظر اندازیم می بینیم که امپریالیسم امریکا در این زمینه تا توانست نیرو جمع کرد، از زیر هر سنگ و بته ای یک اتحادیه و یک سازمان بیرون کشید، اتحادیه ها و سازمان هائی که هیچ پیوندی با توده های میلیونی کشور نداشتند به همان سان که در روی کاغذ جهت اخذ کمکهای امپریالیستی به وجود آمده بودند، با تغییر اوضاع از روی کاغذ نیز گم شدند.

از تمام این بحث نتیجه می گیریم که امپریالیسم امریکا وقتی دست مرحمت بر روی طالب کشید، نه تنها بدیل های احتمالی اش را از بین برد، بلکه جهت تحقق اهدافش، هیچ بدیل بهتری را نسبت به طالب در انبان خویش نتوانست بیابد تا با تکیه برآن، حین ضرورت طالب را وادار به تمکین نماید. امری که طالب نیز آن را می داند و از همین رو اسب خود را چهارنعل می تازاند.

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع ها مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**